

۱. برنارد لاسوس

اولین سؤال در اولین جلسه کلاس «برنارد لاسوس»، پرسش از نخستین تجربه درک طبیعت بود؛ اول بار، چگونه و کدام جلوه از طبیعت را شناختید؟ دوره "DEA باغ، منظر، قلمرو" در دانشکده معماری لاولیت پاریس، ۱۹۹۲. لاسوس با ارجاع به درون، برای یافتن تجربه طبیعت درصدد بیان کشف خود بود. در طول تاریخ، طبیعت چه مفهومی برای انسان داشته است؟ به موازات تغییر شرایط و نیازهای آدمی، فهم و انتظار او از طبیعت نیز دگرگون می‌شد؛ تا امروز که "منظر" به عنوان یک دانش و یک هنر شناخته می‌شود.

این نظریه که منظر پدیده‌ای عینی-ذهنی است، اگر چه توسط «اگوستین برک» تئوریزه و تدوین شد، اما کشف آن به دست لاسوس صورت گرفت. منظر، به مثابه پدیده‌ای، سیال که میان "طبیعت و فهم ما از طبیعت" در تحول است، از سوال روز اول لاسوس پیدا شده بود.^۱ متفکران زیادی قبل از لاسوس درباره منظر نوشته بودند. اما الگوی حاکم (پارادایم) بر همه نظریه‌ها، منظر را "چیز مطلوبی" می‌شناخت که ربطی به "طبیعت" دارد و برای زندگی انسان "مفید" است. تفاوت نظرها، در تفسیر طبیعت و چگونگی فایده آن بود و کمتر در ماهیت منظر تأمل شده بود.

اما چرا لاسوس به این نکته دست یافت؟ در میان علت‌های آن، حتماً باید به سابقه وی به عنوان نقاش اشاره کرد. نگاه نقاشان به اطراف خود، با دیگران و علی‌الخصوص دانشمندان (کسانی که با معیارهای عقلی به دنیا می‌نگرند) فرق دارد. نقاش که مهارت آن را دارد تا رنگ، فرم، نور، بافت، حجم و سایر اجزای پدیده‌ها را ببیند، در مواجهه با اشیاء، ورای هویت متعارف آنها، "چیزهای دیگری" می‌بیند. ادراک نقاش از طبیعت، بی‌واسطه است؛ همچون شهود عارفی که پدیده‌ها را در هیبت و معنای متعارف آنها نمی‌بیند. این توانایی برای برنارد لاسوس، که وجه عقلانی و علمی قدرتمندی نیز داشت، کارآیی بزرگی به همراه آورد. از ورای دقت در مفاهیم مختلف از منظر، به سیالیت معنایی آن رسید؛ و با تأمل در چیستی آن، به ماهیت دوگانه عینی - ذهنی منظر دست یافت. این شماره منظر به اندیشه و آثار او پرداخته است.

۲. منظر ایرانی

عکس روی جلد، خودش یک مقاله است؛^۲ از این شماره، روجدها را مستقل و موضوعی انتخاب کنیم. قرار شد که "منظر ایرانی" عنوان مجموعه عکس‌های روی جلد مجله باشد که تدریجاً فراهم می‌شود.

عکس، تفسیر هنرمند است از محیط؛ انتخاب اوست از آنچه در اطرافش قرار گرفته؛ یک قاب است. کادر عکس، آنچه را که باید دیده شود، در تناسب و ارتباط‌های مورد نظر عکاس، محدود می‌کند، و آنچه که نباید دیده شود را خارج می‌کند. در نتیجه عکاسی نوعی گزینش در محیط است و عکس، یک گزیده.

رنگ و نور در منظر ناحیه مرکزی ایران، نقش اصلی را بازی می‌کند. ارتفاع زیاد فلات ایران، اقلیم خشک و هوای پاک، آسمان آبی مرکز ایران را سبب می‌شود. نور شدید، تضاد سایه و روشن، تک رنگ مصالح خاکی که تنها ماده در دسترس است، فضای رنگین ساده و درخشان را می‌سازد. انسان ایرانی ساکن در این قلمرو، رنگ‌های خود را نیز بر همان روال انتخاب می‌کند؛ درخشان و متضاد. منظر ایرانی، انعکاس قلمرو آنها در محیط زندگی‌شان است که از صافی ذهن آنها گذشته است.

این منظر برای ایرانیان هزاران خاطره و معنا را بازتولید می‌کند. منظر ایرانی، بخشی از هویت ماست. باید آن را شناخت و حفاظت کرد.

سردبیر

سید امیر منصوری

amansoor@ut.ac.ir

پی‌نوشت

۱. تواضع، وفاداری، رشک نبردن و حفظ امانت گروه همکار لاسوس در دانشکده معماری لاولیت پاریس تحسین‌برانگیز بود. او مطلبی را یافته بود که به دلیل ویژگی‌های شخصی، در ثبت آن به نام خود اهتمام نمی‌کرد. یک گروه از متفکران و اساتید دانشگاهی در بسط این نظریه با او همکاری می‌کردند. جالب آنکه هرگز سعی نکردند تا مطلب را به مصادره کنند و همه جا، از جمله در یادداشت‌هایی که برای مجله منظر نوشته‌اند، حق او را ادا کرده‌اند.

۲. "یک عکس خوب گویاتر از هزار نامه است". این جمله را، زمانی که هنوز دوربین دیجیتال، عکس را از زندگی خانواده‌ها حذف نکرده بود، روی شیشه عکاسی‌ها و پشت پاکت تحویل عکس‌های چاپ شده می‌نوشتند.